Quarterly Journal of Linguistics & Khorasan Dialects, Vol. 15. No.4 /Serial Number.33 (Winter 2024)

DOI: https://doi.org/10.22067/jlkd.2024.79854.1134

Times and the Division of Time in the Dialect of Bimorgh Village of Gonabad

Hamid Kheslati[1]

PhD in Persian Language and Literature
ORCID: 0000-0001-8733-0472

Received: November 30, 2022 **Accepted: April 22, 2024**

Abstract

The rsults of research on authentic Farsi dialects can be used as a guide for the cultural authorities of Iran and will open a new venue for further research in this regard. Great Khorasan, where Dari Farsi originates from, has unique features. One of its features is that the dialect of many cities of the province are far from extensive linguistic changes. The dialect of such cities as Gonabad, Qaen, Taibad, Torbat Heydarieh has underwent the least changes over time. A comparison of the dialect and vocabulary of the people of these areas with written sources of the 4th and 5th centuries can prove the claim. This research was carried out using a descriptive-analytical method, and observation and interview methods were used to collect the data. The research was carried out carefully on a small part of the dialect of Bimorgh village of Gonabad, Iran. The study showed the significance of time, its division, and naming among the people of this region. This study revealed that the residents of this village have various names and divisions for different moments of a day and night as well as for month and year. Considering the occupation of the majority of the people that is agriculture and animal husbandry, there seems to be intellectual reasons for the divisions. The devision provides exact time and diversity for doing works over days and months.

Keywords: Dialect, Bimorgh, Gonabad, Time Management, Times

---

1. Email: omidmehrbani@yahoo.com

DOI: https://doi.org/10.22067/jlkd.2024.79854.1134

مجلهٔ زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان، شمارهٔ ۳۳، زمستان ۱۴۰۲
مقالهٔ پژوهشی

گاهان و تقسیم زمان
در گویش روستای بیمرغ گناباد

حمید خصلتی، دانش‌آموختهٔ دکتری زبان و ادبیات فارسی[1]
Orcid: 0000-0001-8733-0472

صص ۱۶۵-۱۷۷

چکیده

پژوهش و بررسی گویش‌های اصیل فارسی از جمله پژوهش‌هایی است که برای پژوهشگر لذتی دوچندان همراه دارد و همچنین دستاوردهای حاصل از آن می‌تواند دست‌مایهٔ کارگزاران فرهنگی کشور قرار گیرد و راهگشای پژوهش‌های بعدی در این مسیر باشد. خراسان بزرگ که خاستگاه زبان فارسی دری بوده است، هنوز از یک ویژگی منحصربه‌فرد برخوردار است و آن دور بودن گویش بسیاری از مناطق استان از تغییرات گستردهٔ زبانی است. گویش شهرهایی چون گناباد، قاین، تایباد، تربت‌حیدریه به‌گونه‌ای است که کمترین تغییرات را در طول زمان شاهد بوده است و مقایسهٔ گویش و واژگان مردم این مناطق با منابع مکتوب قرن‌های چهارم و پنجم شاهدی بر این مدعاست. پژوهش پیش رو که با دقت نظر و جستجو در بخش کوچکی از گویش روستای بیمرغ شهرستان گناباد صورت گرفته است، نشان دهندهٔ اهمیّت زمان و تقسیم‌بندی و نام‌گذاری آن نزد مردم این دیار است. این پژوهش نشان خواهد داد مردم این منطقه با روش‌های جالب‌توجهی تقسیم‌بندی‌های متنوعی از زمان را در طول شبانه‌روز و همچنین در طول ماه و سال انجام داده‌اند. توجه به شغل اکثر مردم این منطقه که کشاورزی و دامداری بوده است، دلایل خوبی برای نحوه تقسیم‌بندی‌های زمان و تنوع آن فراهم می‌آورد.

کلیدواژه‌ها: گویش، بیمرغ، گناباد، مدیریت زمان.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۰۹ – تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۰۳

پست الکترونیکی:
1. omidmehrbani@yahoo.com

۱-مقدمه

موقعیت جغرافیایی خراسان امروز شاید به دلیل اینکه قسمتی از خراسان بزرگ و خاستگاه زبان فارسی دری بوده است، هنوز در جای‌جای خود توانسته است تا حد زیادی فارسی دری خالص را حفظ کند و انگار در بعضی از مناطق خراسان ازجمله گناباد، خواف، قاین، تربت‌حیدریه، تربت‌جام و تایباد زمان متوقف شده و زبان فارسی دری از گزند تغییرات در بستر زمان تا حد زیادی در امان مانده است. این ویژگی در این نواحی، جدا از مثبت یا منفی بودن آن، قابلیت خوبی برای پژوهشگران و گویش شناسان به وجود آورده است تا بتوانند میراث برجای‌مانده از فارسی دری را در فضایی بکر و از زوایای مختلف موردبررسی و پژوهش قرار دهند.

پژوهش حاضر در یکی از مناطق تاریخی و باستانی گناباد انجام شده است که به دلایل مختلف گویش آن‌ها در بستر تاریخ چندان دچار تغییرات گسترده‌ای نشده است.

روستای بیمرغ مرکز دهستان پسکلوت از توابع بخش مرکزی شهرستان گناباد است که در ۲۸ کیلومتری شرق گناباد واقع شده است. مردم این منطقه از گناباد مخصوصاً پیران و کهن‌سالان به گویشی سخن می‌گویند که به‌جرئت می‌توان آن را بازمانده فارسی دری رایج در قرون گذشتهٔ خراسان بزرگ دانست. بسامد بالای استفاده مردم از بعضی واژه‌ها گاه می‌تواند بیانگر اهمیت زیاد آن واژه و حوزه معنایی مربوط به آن باشد. یکی از موارد جالب‌توجه و بسیار مهم نزد گویشوران این سرزمین توجه به عنصر زمان است که به نظر می‌رسد با دقت نظر و دغدغهٔ خاصی در طول تاریخ زندگی این مردم، موردتوجه واقع شده است. ازآنجاکه این منطقه خراسان بیشتر به پیشهٔ کشاورزی و دامداری مشغول بوده‌اند، بعضی تقسیم‌بندی‌ها و نام‌گذاری و مدیریت زمان بی‌ارتباط به این دو پیشه به نظر نمی‌رسد. همچنین پیشینه تاریخی مردم منطقه و همچنین رواج نجوم و ستاره‌شناسی در گذشته تأثیر خود را در زندگی مردم نشان داده است.

۲-پیشینهٔ تحقیق

اگرچه مقالات متنوعی درباره گویش مناطق مختلف خراسان ازجمله گناباد انجام شده است، ولی تا کنون در زمینه موضوع مقاله حاضر یعنی مدیریت زمان نه در گویش گناباد و نه توابع آن ازجمله روستای بیمرغ هیچ تحقیق و پژوهشی انجام نگرفته است؛ ولی در پاره‌ای مقالات مربوط به گویش دیگر شهرها فعالیت‌های مشابهی انجام‌گرفته است که به آن اشاره می‌شود. کوشش مستقلی که در این زمینه انجام گرفته است توسط خانم مهرزاد منصوری (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای تحت عنوان «مدیریت زمان در گویش خاوران» بوده است. پریسا درخشان مقدم (۱۳۸۶)، در مقالهٔ «بررسی گاه‌شماری و اصطلاحات تقسیم‌بندی زمان در زبان‌های ژرمنی و ایرانی» بعضی از تقسیمات کلی

زمان را آورده است. یاحقی (۱۳۸۱) در بخشی از مقاله خود با عنوان «برخی از جنبه‌های زبانی و فرهنگی گویش فردوس» به معرفی ۲۳ اصطلاح و ترکیب در گویش فردوس پرداخته است.

۳-روش تحقیق

این پژوهش به روش توصیفی- تحلیلی انجام‌گرفته و برای گردآوری اطلاعات از روش مشاهده و مصاحبه استفاده شده، همچنین بسیاری از اطلاعات به‌دست‌آمده به‌واسطه تجربه زیستی نگارنده در روستای بیمرغ است. پژوهش حاضر ما را به شیوه‌های هوشمندانه برای مدیریت زمان با ساده‌ترین روش‌های ممکن آشنا خواهد کرد. کنکاش و گفتگو با مردمی که هنوز تجربهٔ زیستی در حال و هوای قرن‌های چهارم و پنجم هجری را دارند ما را با بخش‌هایی از فرهنگ مردم آشنا می‌کند که انتظار داریم در کتاب‌های تاریخی پیدا کنیم.

۴- بیان مسئله

ازآنجاکه زمان یکی از مسائل و دغدغه‌های همیشهٔ بشر بوده است، توجه ویژه به مدیریت و تقسیم‌بندی و همچنین نام‌گذاری زمان راهگشای بسیاری از موانع و مشکلات جوامع بوده و خواهد بود. پژوهش پیش رو سعی دارد به این پرسش پاسخ دهد که جایگاه مدیریت و تقسیم‌بندی و نام‌گذاری زمان در گویش بیمرغ گناباد چیست؟ و به دنبال آن است تا به دلایل نام‌گذاری و انواع تقسیم‌بندی‌های متنوع زمان نزد مردم این دیار برسد.

۵-یافته‌های پژوهش

۵-۱. نام‌گذاری و تقسیم زمان

نام‌گذاری گاه‌ها در گویش بیمرغ گناباد ملاک‌های مختلفی داشته است. بعضی از نام‌گذاری‌ها ریشه در اعتقادات جامعه داشته، پیشینهٔ مذهبی دارند؛ بعضی دیگر به اسطوره‌ها و باورها وابسته‌اند و بعضی دیگر از شغل غالب مردم که کشاورزی و دامداری بوده است، ناشی می‌شود. در مطالعه و بررسی گاه‌ها ابتدا یک تقسیم‌بندی کلی و موضوعی ارائه می‌شود که ارتباط زمان و تقسیم‌بندی یا نام‌گذاری آن را با باورها، آیین یا مواردی از این قبیل نشان می‌دهد.

۵-۲. نام‌گذاری‌های محدود به شبانه‌روز

تقسیم زمان در محدودهٔ شبانه‌روز تقسیم‌بندی‌های ریز و کوتاهی است که فاصله زمانی آن از نیم تا چند ساعت است و گاهی این تقسیم‌بندی‌ها هم‌پوشانی دارند و همچنین ملاک‌های مختلفی با توجه به نیازهای مردم برای نام‌گذاری و

تقسیم زمان به کار گرفته شده است.

۵-۲-۱. نام‌گذاری واحدهای زمانی کوتاه

در گویش بیمرغ گناباد، مردم برای زمان‌های کوتاه تعابیر زیبایی دارند.

«قلبه نشو qelbe- neŝū» که به نظر می‌رسد تغییریافته عبارت «قابلی نشد» است در مورد بازه‌ای از زمان به کار می‌رود که از انجام کاری گذشته باشد و اندازهٔ آن کمتر از یک ساعت است و تقریباً معادل با اصطلاح «همین چند دقیقه پیش» می‌باشد. اصطلاح دیگری که برای زمان آینده به کار می‌رود، «یک‌کلّه دگه yak –kelle- dega» است که به معنی چند دقیقه آینده می‌باشد که این نام‌گذاری هم برای زمان‌های کمتر از یک ساعت به کار می‌رود. اصطلاح «اُرُمorom» یا «یک اُرُمِ yak-orome» هم صرفاً به معنی چند دقیقه، بدون در نظر گرفتن آینده یا گذشته بودن آن است

۵-۲-۲. نام‌گذاری و تقسیم شرعی زمان

در این‌گونه از نام‌گذاری و تقسیم‌بندی، گاه‌ها بر اساس انجام فریضهٔ نماز و وقت تقریبی اذان انجام گرفته است.

نام‌گذاری و تقسیم شرعی زمان				
موقری بونگ	صلات ظاهار	نمازدگر	نماشم	شی خونی
Moqri–bong	Selāt–e–zāhār	nemāzdegar	nemaŝom	ŝeɪ–xūni

در گویش بیمرغ گناباد هنگام اذان صبح را «موقری بونگ» می‌گویند که تغییر یافته «موقری بانگ» بوده و آن زمانی است که قاری و مؤذن بانگ اذان را سر می‌دهد. موقری بونگ اختصاصاً به زمان اذان صبح گفته می‌شود. کاربرد این اصطلاح برای اذان‌های ظهر و مغرب رایج نیست و یا اگر رایج بوده است اکنون کاربردی ندارد. صلات ظاهار، هنگام تقریبی نماز ظهر است. نماز دگر تعبیری است که برابر با عصر بوده و برای زمان تقریبی نماز عصر و همچنین برای نام‌گذاری بازه زمانی تقریبی از ساعت ۱۳ تا ۱۷ به کار می‌رود. تعبیر نمازدگر که از واژه‌های فارسی دری است در گذشته به‌صورت «نمازدیگر» رواج داشته و کم‌کم به نمازدگر تغییریافته است: «و امیر نمازدیگر این روز به کوشک دولت بازآمد به شهر»(خطیب رهبر، ۱۳۷۵: ۶۳۵). «نماز دیگر برنشست و در آن صحراها می‌گشت و همه اعیان با وی...»(فیاض، ۱۳۵۰: ۲۰۲).

واژه «نماشم» تغییر یافته نماز شام است که به هنگام غروب و زمان تقریبی نماز مغرب گفته می‌شود. گاه دیگری

نیز درزمان ماه مبارک وجود دارد که مختص این ماه است و هنگام سحر و وقت بیدار شدن برای خوردن سحری است. این بخش از زمان را «شی خونی» می‌گویند که تغییر یافتهٔ واژه «شب‌خوانی» است... شب‌خوانی در اصل به دعاها و آواهایی گفته می‌شود که هنگام سحر برای بیدار کردن مردم برای خوردن سحری خوانده می‌شده است. شب‌خوانی در دوزمان انجام می‌شود که به آن شب‌خوانی اول و دوم گفته می‌شود. شب خوانی اول حدوداً یک ساعت قبل از اذان و هدف آن بیدار کردن مردم برای تهیه سحری است و شب‌خوانی دوم تقریباً ده دقیقه مانده به اذان انجام می‌شود که هدف این شب خوانی، اعلام نزدیک شدن به اذان صبح است.

۵-۲-۳. تقسیم زمان در طول روز

یکی از روش‌های تقسیم‌بندی زمان در طول روز استفاده از خورشید و تعابیر برگرفته از آن است. در اکثر تقسیم‌بندی‌های زمان از دیرباز رد پای نور و خورشید دیده می‌شود که این نگاه ویژه می‌تواند یادگاری از اعتقادات و بازمانده‌هایی از آیین مهر در این سامان باشد. روزسرزد، یک گروه اسمی است که به زمان سرزدن خورشید از مشرق گفته می‌شود. «روزورومد» نیز اصطلاح دیگری است که همانند روزسرزد به معنی زمان طلوع خورشید است. بعد از طلوع خورشید که آفتاب شروع به پوشاندن همه‌جا می‌کند، «افته هموار»خوانده می‌شود. افته هموار، تقریباً ساعت هشت به بعد است. گاهی اوقات اگر بخواهند تفاوتی با افته هموار ایجاد کنند و ساعتی دیرتر مورد نظر باشد از تعبیر «افته هموار بلند» که تقریباً برابر با ساعت ۹ و بعد از آن است، استفاده می‌کنند. برای زمان غروب آفتاب هم عبارت «روز فروشد» استفاده می‌شود. لحظاتی قبل از غروب آفتاب که خورشید با زمین مماس شده است از عبارت «روزپردکوزد» استفاده می‌کنند که به این معنی است که خورشید در حال غروب کردن است.

تقسیم زمان روز بر اساس حرکت خورشید			
روزسرزد روزورومد	افته هموار	افته هموار بلند	روزفروشد
Rūzserzæd Rūzverūmæd	afteɪhemvār	afteɪhemvār-e-belænde	rūzfrūŝod

نام‌گذاری و تقسیم‌بندی زمان در محدوده زمانی شب هم بسیار جالب‌توجه است. نخستین گاه در تقسیمات شب، نماشم است. نماشم همان نماز شام است که به‌مرورزمان تغییریافته است. اصطلاح نماشم اگرچه به زمان خواندن نماز مغرب اشاره دارد؛ ولی مجازاً به معنی شروع شب است. یکی دیگر از تعابیری که برای لحظات بعد از

غروب به کار می‌رود، عبارت گی گم به معنی گاوگم است که برابر با اصطلاح معروف گرگ‌ومیش می‌باشد. بخش دیگر زمان در تقسیم‌بندی شب «چرغو» است که به بخش‌های پایانی شب و قبل از نیمه‌شب گفته می‌شود. چرغو در گناباد، هم به معنی شب‌نشینی است و هم هنگامی استفاده می‌شود که قصد داشته باشیم به دیروقت بودن اشاره‌کنیم. «چرغو شده» یعنی تقریباً شب به پایان نزدیک شده و دیروقت است. در گویش گناباد زمان نیمه‌شب هم به دو بازه تقریبی تقسیم می‌شود «نصپ شی» یا همان نیمه‌شب و «بعد از نصپ شی» که به ساعات بعد از نیمه‌شب گفته می‌شود. اشاره به زمان‌های انتهایی شب در قسمت تقسیم‌بندی با نام ستارگان نیز اشاره خواهد شد اما ساعت‌های انتهای شب که به صبح نزدیک است به سه قسمت تقسیم می‌شود. خروسخوان اول تقریباً ساعتی مانده به اذان صبح است و خروسخوان دوم به‌طور تقریبی با اذان صبح هم‌زمان می‌شود که در تقسیم‌بندی شرعی به این زمان مقری بونگ گفته می‌شود. آخرین بخش از تقسیم‌بندی شب هنگامی است که هوا در حال روشن شدن است که به «شبق» که همان شفق و برابر با آن می‌باشد، معروف است.

تقسیمات زمانی شب								
نماشم	گی گم	سرشی	چرغو	نصپ شو	بعد از نصپ شو	خروسخون اول	خروسخون دوم	شبق
nemāŝom	geɪgom	serŝeɪ	ĉeræqū	nespeŝœ	badeznespeŝœ			ebæqŝ

۵-۳. تقسیم‌های بلند و طولانی‌تر زمان

در این بخش به بررسی تقسیم‌هایی که از نظر زمانی بلندتر و طولانی‌تر هستند می‌پردازیم.

۵-۳-۱. تقسیم بر اساس ایام نوروز و بعد از آن

تقسیم بر اساس روزهای نوروز					
علفه	نیروز	شیشه اول	شیشه دوم	سیزده	شیشه‌ها
ælefæ	neɪrūz	ŝɪŝe-ævvæl			

این تقسیم‌بندی یک تقسیم‌بندی میان‌مدت است که از یک روز تا بازه‌های زمانی شش‌روزه ادامه دارد. روز علفه که روز قبل نوروز است، در آیین و گویش گناباد جایگاه خاصی دارد. در این روز مردم به مزار رفتگان خود رفته و با آب‌پاشی و جارو کردن مزار مردگان به آن‌ها ادای احترام کرده و به بازماندگان تسلا می‌دهند. روز نوروز در میان همه تقسیم‌بندی‌ها جایگاه ویژه‌ای دارد و معمولاً یک تقسیم‌بندی تعریف نشده دیگر سال را به قبل و بعد از نوروز تقسیم

می‌کند. بعد از نوروز مضرب‌های عدد شش را شیشه می‌گویند که همان «ششه» است. به اعتقاد مردم گناباد در شیشه‌ها باران می‌بارد و البته در بعضی شیشه‌ها که از ۳۶ به بعد است، منتظر باران بیشتری نیز هستند. شیشه‌ها از ششم نوروز شروع و تا شیشه هشتاد و ششم که پایان خردادماه است، ادامه پیدا می‌کند.

۵-۳-۲. نام‌گذاری بر اساس شروع یک گاه

سِرصحاب	سِرظهر	سِرشی	سِرزمستو	سِرمیزو	سر قوچ گذار	سر چله	سرزی	سر نسق	سردمدار
Ser-sahab	Ser-zahar	Ser-ŝer	Ser-zemestū	Ser-mizū		Ser-chellæ	Ser-zi	Ser-nesæq	sermedār

در این نام‌گذاری با اضافه‌کردن پیشوند «سر» به گاهان مختلف، اشاره به شروع هر زمان مدنظر می‌باشد. پیوند «سر» به اکثر تقسیم‌بندی‌های کوتاه و بلند از نظر زمانی اضافه می‌شود. بیان عبارت سر میزو به معنی اول مهر و سر چله یعنی شروع هر یک از چله‌ها می‌باشد. «قوچ گذار» به آن محدوده زمانی گفته می‌شود که دامداران گوسفندان نرینه ازجمله نر بز و قوچ را برای تولیدمثل در وسط گوسفندان رها می‌کنند. این گاه، یکی از ظرافت‌ها و نکات جالب‌توجه در دامداری قدیم است.

مشخص‌بودن زمان رهاشدن قوچ‌ها میان گوسفندان باعث می‌شده تا پس از مدتی حدود یک تا دو ماه به‌مرور گوسفندان باردار شده و بعد از طی پنج ماه دوره بارداری گوسفندان در زمان‌هایی خاص و به همان ترتیب باردارشدن وضع‌حمل کنند. هنگام وضع‌حمل گوسفندان هم تقریباً از اوایل بهمن‌ماه شروع شده و تا فروردین ادامه پیدا می‌کند. «سر زی» در این تقسیم‌بندی به زمانی گفته می‌شود که گوسفندان شروع به وضع حمل می‌کنند و «زی» اسم زمان از مصدر زادن است. همچنین سر نسق به زمانی گفته می‌شود که در اوایل پاییز آب کشاورزی تقسیم می‌شود. مدار هم به چرخه تحویل آب از یک کشاورز به کشاورزان دیگر و دوباره برگشت به کشاورز اول گفته می‌شود که این مدارها از ۱۲ تا ۲۴ یا ۳۶ روز قابل‌تغییر است. سر مدار به شروع دوباره هر مدار گفته می‌شود. تقسیم‌بندی دیگری شبیه به مدار کشاورزی در دامداری وجود دارد که آن هم یک‌چرخه ولی با تعداد روزهای متغیر بوده است. در این چرخهٔ زمانی که به گِمار معروف است، برای هر ده رأس گوسفند یک شب گِمار تعیین می‌شده و هرکسی بسته به تعداد گوسفندان خود به‌عنوان گماری، چوپان را همراهی و کمک می‌کرده است. اصطلاح «گِمَری» هم به کسی گفته می‌شود که جهت

محافظت از گوسفندان و بردن آن‌ها به چرا، چوپان را همراهی می‌کند.

۵-۳-۳. تقسیم زمان بر اساس محصول

پنبه‌چینی	سرزعفرونا	گندم دری	جِی دِری
pombechini	serzaferūnā	gendomdereı	jeıdereı

در گویش مردم گناباد تقسیم‌بندی دیگری نیز وجود دارد که به زمان تقریبی برداشت محصول مربوط می‌شود. اواخر اردیبهشت‌ماه و اوایل خرداد به‌عنوان زمان درو محصول جو شناخته شده و «جی دری» نامیده می‌شود. بعد از آن نیز روزهای درو گندم فرامی‌رسد که معمولاً اواخر خرداد و اوایل تیرماه بوده و به «گندم دری» معروف است. محصول زعفران هم با توجه به سردی هوا در هر سال بازه زمانی متغیری دارد و ممکن است یک سال اواخر آبان‌ماه و سال دیگر اوایل آذرماه باشد. به هر صورت زمان تقریبی برداشت محصول زعفران را سرزعفرونا می‌گویند. زمان تقریبی پنبه‌چینی هم معمولاً اواخر دی‌ماه و اوایل بهمن‌ماه است. آنچه مسلم است روزهای در نظر گرفته برای برداشت محصول زمان دقیقی نداشته و یک زمان تقریبی و متغیر می‌باشد.

۵-۳-۴. تقسیم بر اساس ماه

در تقسیم‌بندی بر اساس ماه، زمان به قسمت‌های از ۱۰ تا چهل روز تقسیم می‌شود و مردم با توجه به این تقسیم‌بندی‌ها به مدیریت کارهایشان در فصول مختلف می‌پردازند.

تموز، نام ماه اول تابستان و ماه دهم از سال رومیان (معین،۱۳۶۴: ۱۱۴۳) است، در گویش گناباد تِموس به زمانی از تابستان گفته می‌شود که گرما به بیشترین حد خود می‌رسد و معمولاً بازه زمانی ۱۰ تیرماه تا ۱۰ مرداد می‌باشد. همچنین همانند چله زمستان، برای تابستان همه چله‌ای درنظر می‌گیرند که از اول تیرماه تا دهم مردادماه را شامل می‌شود. میزو که همان میزان است هفتمین برج فلکی است که نامش را از صورت فلکی میزان گرفته‌اند. میزو به مهرماه گفته می‌شود که یکی از نام‌گذاری‌ها و تقسیم‌بندی‌های موردتوجه مردم است. «میزو» یا «سرمیزو» به خاطر آغاز فصل کشاورزی و همچنین تقسیم‌بندی آب کشاورزی اهمیت ویژه‌ای دارد. پس عقرب که همان قوس و عقرب از بروج دوازده‌گانه می‌باشد برابر با ماه‌های آبان و آذر است.

۵-۳-۵. تقسیمات فصل زمستان

فصل زمستان به دو چله تقسیم می‌شود. چله بزرگ که چهل روز است از اول زمستان آغاز و تا دهم بهمن ادامه دارد

انتهای این چله که از آن به چلهٔ خورشید هم می‌توان تعبیر کرد با جشن سده مقارن می‌شود این جشن که از دهم بهمن به بعد برگزار می‌شده است در اکثر نقاط کویری و مخصوصاً شهرهای خراسان رایج بوده و بعد از گذشت چهل روز از شب چله که همان یلدا و تولد خورشید است جشنی برگزار می‌شده که این جشن بی‌ارتباط به گرم‌شدن تدریجی هوا و نزدیک شدن به فصل برداشت محصول نبوده است. مردم در جشن سده با جمع‌آوری هیزم و برافروختن آتش‌های بزرگی به اعتقاد خود به گرمی هوا کمک کرده و با سرمای سخت چله بزرگ زمستان خداحافظی می‌کردند. در خراسان بزرگ اشعار و ترانه‌هایی نیز در ارتباط با جشن سده خوانده می‌شد که یکی از معروف‌ترین آن‌ها سطری با این مضمون است «سده، سده، صد به غله، پنجاه به نوروز» همان‌طور که از متن شعر برمی‌آید مردم از نزدیک‌شدن نوروز و فصل غله شادمان بوده و شادی می‌کردند. نکته جالب‌توجه در تقسیم‌بندی زمان و گاه‌شماری فصل زمستان این است که این تقسیمات نسبت به فصول دیگری متعدد و ریزتر بوده و این تقسیم‌بندی تا حدودی به جشن‌های متعدی که در قدیم برگزار می‌شده مرتبط بوده است. بعد از چله بزرگ، چله کوچک آغاز می‌شود که بیست روز آخر بهمن‌ماه را شامل می‌شود. تقسیم‌بندی فصل زمستان در فرهنگ و گویش مردم با افسانه‌هایی همراه است که این افسانه‌ها تقریباً در اکثر نقاط ایران کم‌وبیش با اختلاف‌هایی در روایت، رایج بوده است. اسفندماه که به ماه نوروز هم معروف است تقسیم‌بندی جزئی‌تری دارد. در این تقسیم‌بندی اسفند به شش بخش پنج‌روزه تقسیم‌شده که به ترتیب عبارتند از: حوت، حمل، اهمن، بهمن، بی‌بی (نه‌نه سرما) و نوروزک.

تقسیم بر اساس ماه و فصل						
تموس	چله توستو	سرمیزو	قیس عقرب	چله خورد	چله بزرگ	ماه نوروز
temūs	Chelle-tavestū	sermizū	gheıs-aghræb	chellexūrd	cheleı bezorg	māneʊrūz

۵-۳-۶. تقسیم زمان بر اساس موقعیت ستاره

ستاره‌ها از دیرباز موردتوجه مردم بوده‌اند. بسیاری از مردم با استفاده از ستاره‌ها مسیرشان را در شب پیدا می‌کرده‌اند. در تقسیم‌بندی زمان با استفاده از ستاره‌ها با توجه به فصول مختلف تغییراتی ایجاد می‌شده است. با توجه به اینکه ستاره‌ها در فصل‌های مختلف موقعیت‌های متفاوتی داشته‌اند، تقسیم زمان قدری پیچیده‌تر به نظر می‌رسد اما مردم باتجربه‌ای که به‌مرورزمان در شناخت موقعیت ستاره‌ها و اجرام فلکی کسب می‌کردند زمان نسبت داده به آن را نیز یاد می‌گرفتند. طلوع صورت‌های فلکی و موقعیت آن در آسمان به کشاورزان و چوپانان کمک زیادی می‌کرده است. یکی

از صورت‌های فلکی که مورداستفاده قرار می‌گرفته، خوشه پروین است که در خراسان به‌صورت مخفف یعنی «پرو» «پلم» شناخته می‌شود. ستاره سهیل که اواخر آذرماه در زمان‌های کوتاهی در قسمت جنوب شرق دیده می‌شود نیز در زمان‌بندی‌های مردم مؤثر بوده است طلوع ستاره سهیل از نظر مردم برابر با شروع سرد شدن هوا و فصل سرما بوده است. صورت‌های فلکی دیگری که مردم از آن در مدیریت و شناخت زمان استفاده می‌کنند دب اکبر، رس بزرگ یا «هفت براربزرگ» و همچنین دب اصغر، خرس کوچک یا «هفت برآر خُرد» است. این صورت فلکی هم در شناخت موقعیت قبله وهم قطب جنوب وهم برنامه‌ریزی برای زمان مورداستفاده واقع می‌شده است. موقعیت و حرکت این ستاره‌ها در باور عوام همراه با اسطوره‌ها و داستان‌هایی است. در باور عامه «استره سئیل» یا ستاره سهیل اواخر آذرماه، هر شب از مشرق طلوع می‌کند و قدری بالا می‌آید تا فرزندانش «هف برار» را که در سمت قطب زندانی هستند نجات دهد.

تقسیم بر اساس موقعیت ستاره‌ها				
پلم	استره سئیل	هف برار	سه استار	استره صاحاب
pælm	Stære-seil	Hæf-berār	Se-estār	Stære-sāhāb

«سه استار» سه ستاره هستند که در یک ردیف از سمت مشرق و پایین‌تر از خوشه پروین دیده می‌شوند. چوپانان و کشاورزان با توجه به طلوع و دیده شدن این ستاره‌ها در فصول مختلف تعریف‌ها و تقسیم‌بندی‌های مشخصی برای خود داشته‌اند. همچنین «استره صاحاب» که همان ستاره زهره است معرف دقایقی قبل از روشن‌شدن هوا می‌باشد.

۶-نتیجه‌گیری

پژوهش در گویش مردم نکات مبهم و نامشخصی را روشن می‌کند و به پرسش‌های بسیاری پاسخ می‌دهد. آنچه از پژوهش پیش رو حاصل می‌شود این است که مردم منطقه بیمرغ گناباد به‌واسطه نیازهای خاصی که داشته‌اند توجه ویژه‌ای به تقسیم‌بندی و مدیریت زمان نموده و روش‌های مختلفی را نیز برای تقسیم‌بندی و مدیریت زمان و همچنین نام‌گذاری بخش‌های مختلف آن به کار بسته‌اند. با توجه به پژوهش پیش رو، مردم زمان را به بهره‌های کوچک و بزرگی تقسیم کرده‌اند که از تقسیمات شبانه‌روز شروع شده تا ایام هفته و ماه ادامه پیدا می‌کند. همچنین تقسیم‌های خاصی انجام داده‌اند که از نوع نیازهای آن در پیشه‌های کشاورزی و دامداری که شغل غالب این مرزوبوم است، سرچشمه

گرفته است. تقسیم زمان بر اساس اوقات ادای فرایض دینی ازجمله نماز و روزه نشان می‌دهد مردم این سرزمین تا چه اندازه به ارزش‌ها و مناسک دینی‌شان پایبند بوده و این مناسک و فرایض دینی تا چه اندازه در مدیریت زمان مؤثر بوده است. یکی دیگر از ملاک‌های تقسیم و نام‌گذاری و سنجش زمان، موقعیت ستارگان است که این تقسیم‌بندی هم به پیشینه توجه مردم این سامان به ستارگان و علم نجوم اشاره می‌کند. لازم به ذکر است تقسیمات ایام نوروز و توجه به زمان‌های خاصی که امکان بارش باران در آن زیاد است این نکته را یادآور می‌شود که مردم کویر برای استفاده مطلوب از آب‌ها و باران‌های فصلی برنامه‌ریزی‌های خاصی داشته‌اند. نام‌گذاری‌هایی چون «نسق» و «مدار» هم به اهمیت و ارزش مدیریت زمان و هم به تقسیم درست آب کشاورزی اشاره دارند. در پایان شایسته توجه است تقسیم، مدیریت و نو نام‌گذاری زمان تنها بخش بسیار کوچکی از گویش مردم و گویشوران این منطقه است. بی‌شک توجه پژوهشگران و انجام پژوهش‌های دیگر در حوزه‌های مختلف مرتبط با گویش مردم این سامان، یافته‌های ارزشمندی را در پی خواهد داشت.

کتابنامه

بیهقی، ا. (۱۳۷۵). تاریخ بیهقی. به کوشش دکتر خطیب رهبر. چاپ پنجم. تهران. انتشارات مهتاب.

بیهقی، ا. (۱۳۵۰). تاریخ بیهقی. تصحیح دکتر غنی و فیاض. چاپ مشهد.

پهلوان، ع. م. (۱۳۷۳). بررسی گویش مردم گناباد. پایان‌نامه. درگاه پژوهشگاه علوم و اطلاعات ایران.
http://ganj.irandoc.ac.ir/articles/79236

درخشان مقدم، پ. (۱۳۸۶). بررسی گاه‌شماری و بررسی اصطلاحات تقسیم‌بندی زمان در زبان‌های ژرمنی و ایرانی. نشریه مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبایی. سال ۱۳۸۶. شماره ۲۲۰. ص ۸۸۳-۸۶۵.

لباف، خانیکی، ر. (۱۳۷۸). صرف فعل در گویش روستای خانیک. خراسان پژوهی. سال دوم بهار و تابستان ۱۳۷۸ شماره ۱ (پیاپی ۳). ص ۱۰۰-۹۰.

معین، م. (۱۳۶۴). فرهنگ فارسی معین. تهران: انتشارات امیرکبیر.

منصوری، م. (۱۳۹۲). مدیریت زمان در گویش خاوران. ویژه‌نامه فرهنگستان زبان‌ها و گویش‌های ایرانی دوره جدید خرداد ۱۳۹۲. شماره ۲. ص ۱۳۵-۱۲۵.

یاحقی، م. ج. (۱۳۸۱). برخی از جنبه‌های زبانی و فرهنگی گویش فردوس. مجموعه مقالات نخستین هم‌اندیشی گویش‌شناسی. به کوشش حسن رضایی باغ بیدی. تهران. ص ۶۳۵-۶۱۳.